The Role of the Mediator of Attachment Styles in the Relationship between Personality Traits and Fetishism

Leyla Rastgar Faraj Zadeh[1], Abolfazl Mohammadian[2*]

[1]Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran
[2]Department of Psychology, Faculty of Psychology, University of Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Article Info:

Received: **29 Oct 2018** ***Revised:*** **24 Dec 2018** ***Accepted*****: 28 Jan 2019**

ABSTRACT

Introduction: Fetishism as a sexual deviation is characterized by imaginations, desires, and frequent sexual behaviors focused on objects that are not sexually sugges tive to others. This research with a dual purpose, on the one hand, examined the relationship between personality traits, attachment styles and fetishism, and on the other hand, measured the role of attachment styles in relation between personality traits and fetishism. ***Materials and Methods:*** This is a descriptive and correlational study. The statis tical population of the present study was the men over 18 years of age in Tabriz in 2018. From among the community, a sample of 300 participants was selected through available sampling. The research instruments were Adult Attachment Inventory (AAI), NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) and the Multidimensional Inventory of Development, Sex, and Aggression (MIDSA). ***Results:*** The Results showed that the higher the individual score in the variables of neuroticism and agreeableness, the greater the likelihood of a person having a fetishism. Possibly, those with a neurotic trait are more likely to have an avoidant and ambivalent insecure attachment style. The results of multivariable regression analysis also showed that 14% of the fetishism can be explained by personality traits. The greatest contribution was to neuroticism (P<0.01) and then agreeableness (P<0.05). Furthermore, three variables of avoidant attachment, secure attachment and ambivalent attachment predicted a total of 24% of the variance of the fetishism variable. Given the beta value, it is determined that the ambivalent attachment style has the greatest effect on the fetishism variable. Finally, attachment styles act as mediators of the personality trait of neuroticism and fetishism. ***Conclusion:*** Avoidant and ambivalent insecure attachment styles along with personality traits, neuroticism and agreeableness, can lead to sexual deviations, such as Fetishism

Key words:

1. Personality
2. Adult
3. Neuroticism

***Corresponding Author:** Abolfazl Mohammadian

E-mail: *Abolfazl796@gmail.com*

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]

[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطهٔ بین صفات شخصیت و یادگارخواهی

لیلا راستگار فرج زاده[۱]، ابوالفضل محمدیان[۲*]

[۱]گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

[۲]گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله:

تاریخ دریافت: ۷ آبان ۱۳۹۷ **اصلاحیه:** ۳ دی ۱۳۹۷ **تاریخ پذیرش:** ۸ بهمن ۱۳۹۷

چـــــکیده

مقدمه: یادگارخواهی به‌عنوان یک انحراف جنسی، با تخیلات، امیال و رفتارهای مکرر جنسی متمرکز بر اشیاء مشخص می‌شود که برای دیگران از لحاظ جنسی محرک نیست. این پژوهش با هدفی دوگانه، از یک سو رابطهٔ بین صفات شخصیت، سبک‌های دلبستگی و یادگارخواهی را بررسی می‌کند و از سوی دیگر نقش سبک‌های دلبستگی را در رابطهٔ بین صفات شخصیت و یادگارخواهی می‌سنجد. ***مواد و روش‌ها:*** این یک مطالعهٔ توصیفی و همبستگی است. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر مردان بالای ۱۸ سال در تبریز در سال ۱۳۹۷ بودند. از بین افراد جامعه، نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ شرکت‌کننده، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش مقیاس دلبستگی بزرگسال، پرسشنامهٔ پنج عاملی شخصیت نئو و سیاههٔ چندبعدی رشد، جنسیت و پرخاشگری بود. ***یافته‌ها:*** نتایج نشان دادند که هر چه نمرهٔ فرد در متغیرهای روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی بالاتر باشد، احتمال اینکه فرد دچار اختلال یادگارخواهی باشد، بیشتر خواهد بود. احتمالاً افراد واجد صفت روان‌رنجوری، بیشتر دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا هستند. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری نیز نشان داد که ۱۴ درصد از متغیر یادگارخواهی، می‌تواند توسط صفات شخصیت تبیین شود. بیشترین سهم به روان‌رنجوری ($P<۰/۰۱$) و سپس تجربه‌گرایی ($P<۰/۰۵$) اختصاص دارد. همچنین سه متغیر دلبستگی اجتنابی، دلبستگی ایمن و دلبستگی دوسوگرا در مجموع ۲۴ درصد از واریانس متغیر یادگارخواهی را پیش بینی می‌کنند. با توجه به مقدار بتا مشخص می‌شود که سبک دلبستگی دوسوگرا بیشترین تأثیر را بر متغیر یادگارخواهی دارد. در آخر سبک‌های دلبستگی به‌عنوان میانجی صفت شخصیت روان‌رنجوری و اختلال یادگارخواهی عمل می‌کنند. ***نتیجه‌گیری:*** سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا همراه با صفات شخصیتی، روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی می‌توانند منجر به انحرافات جنسی از قبیل یادگارخواهی گردند.

کلید واژه‌ها:

۱. شخصیت
۲. بزرگسال
۳. روان‌رنجوری

* **نویسنده مسئول:** ابوالفضل محمدیان

آدرس الکترونیکی: *Abolfazl796@gmail.com*

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]

[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

مقدمه

اختلالات جنسی توسط DSM5 به‌عنوان یک گروه ناهمگون از اختلالات تعریف شده است که به طور معمول توسط آشفتگی بالینی قابل توجه در توانایی فرد برای پاسخگویی به روابط جنسی یا تجربهٔ لذت جنسی تعیین می‌شود. اختلالات جنسی به دو دسته اختلالات عملکرد جنسی[1] و اختلالات پارافیلیک[2] تقسیم می‌شوند. یک اختلال پارافیلیک، نوعی پارافیلیا است که در حال حاضر باعث ناراحتی یا اختلال در عملکرد فرد شده یا ارضاء این تمایل پارافیلیک فرد مستلزم آسیب، یا توام با خطر آسیب به دیگران است. یادگارخواهی[3] به‌عنوان یک پارافیلیا، به برانگیختگی جنسی شدید و عودکننده به استفاده از اشیای غیرزنده و یا تمرکز بسیار خاص بر قسمت‌های غیرتناسلی بدن مربوط می‌شود که در مدت ۶ ماه حضور دارند و با ناراحتی یا آشفتگی بالینی قابل توجه همراه هستند. یادگار خاص مربوط به شخصی است که در دوران کودکی با فرد بیمار ارتباط نزدیک داشته و کیفیتی دارد که شخص مورد علاقه، مورد نیاز و یا حتی آسیب‌رسان را تداعی می‌کند (۱).

شواهد اولیه نشان می‌دهد ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند رفتار جنسی منحرف یا بهنجار را پیش‌بینی کند. تحقیقات موجود در این زمینه به رابطهٔ روان‌رنجوری[4] با اختلال عملکرد جنسی و رضایت جنسی پائین، برون‌گرایی[5] با پرکاری جنسی و رفتار جنسی مخاطره‌آمیز، تجربه‌گرایی با همجنس‌گرایی و نگرش آزاد نسبت به رفتار جنسی و توافق‌پذیری[6] و وظیفه‌شناسی[7] با رفتار خشن جنسی و خیانت (۲)، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری پایین و روان‌رنجوری و برون‌گرایی بالا با خطرپذیری جنسی (۳)، برون‌گرایی و تجربه‌گرایی با رفتار جنسی BDSM[8] (۴)، تجربه‌گرایی با دگرجنس‌گرایی[9] (۵)، تجربه‌گرایی با مبدل‌پوشی[10] (۶) و روان‌رنجوری با انحراف جنسی (۷) اشاره دارد.

شخصیت را در قالب پنج ویژگی شخصیتی اصلی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، توافق‌پذیری، تجربه‌گرایی[11] و وظیفه‌شناسی توصیف کرده‌اند. نمرات بالا در روان‌رنجوری با اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی همراه است. برون‌گرایی با فعال بودن، اجتماعی بودن، خوش‌بینی، پیشی گرفتن و اهل گفتگو بودن تداعی می‌شود. توافق‌پذیری، منعکس‌کنندهٔ گرایش بین فردی نسبت به دیگران است، از جمله همدردی، محبت، انعطاف‌پذیری بین‌فردی، مهربانی، اعتماد و بخشش. تجربه‌گرایی، شامل تمایل و توانایی جستجو، شناسایی، درک و استفاده از الگوهای انتزاعی و حسی اطلاعات است. تجربه‌گرایی بالا نیز با علاقه به هنر و رویاپردازی همراه است. وظیفه‌شناسی را می‌توان به‌عنوان تمایل به پیروی از قوانین، سختگیری و مطیع بودن توصیف کرد که به خاطر اهداف بلندمدت مقاومت می‌کند (۸).

از طرفی هم سبک دلبستگی[12] می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری ساختار پنج عامل اصلی شخصیت مؤثر باشد (۹). شیوه‌های تنظیم عواطف و برقراری ارتباط با دیگران در افراد متفاوت است. نظریهٔ دلبستگی، این تفاوت‌های فردی را در کودکان و بزرگسالان تبیین می‌کند (۱۰). نظریهٔ دلبستگی بزرگسال، با گسترش نظریهٔ دلبستگی برای تبیین تفاوت‌های فردی در شناخت‌ها، احساسات و رفتارهایی که در چهارچوب روابط صمیمی بزرگسال رخ می‌دهند، تدوین شده است. طبق این نظریه، تفاوت‌های فردی در سبک‌های دلبستگی از تجربه‌های مربوط به روابط صمیمی گذشته که از روابط دلبستگی نوزاد مادر (مراقب) آغاز می‌شود، نشأت می‌گیرند. آن‌ها روابط صمیمی بزرگسال را در امتداد سه سبک اصلی دلبستگی یعنی ایمن[13]، اجتنابی[14] و دوسوگرا[15]، طبقه‌بندی کردند. در نظریهٔ بالبی، کودکانی که مراقبت‌کنندهٔ حساس و پاسخگو دارند، سبک دلبستگی ایمن و آن‌هایی که مراقبت‌کننده‌شان در دسترس نیست، سبک دلبستگی اضطرابی -دوسوگرا و کودکانی که مراقبت‌کنندهٔ آن‌ها از نظر هیجانی سرد و طردکننده است، سبک دلبستگی اجتنابی را شکل می‌دهند (۱۱). حساسیت و پاسخگویی مراقبت‌کننده نسبت به حالت‌های عاطفی و هیجانی کودک، تعیین‌کنندهٔ شیوه‌ای است که کودک یاد می‌گیرد تا هیجانات خود را تنظیم و آن‌ها را به دیگران نشان دهد (۱۲).

یافته‌های قبلی از یک سو بیانگر رابطهٔ بین سبک‌های دلبستگی با پنج خصیصهٔ شخصیتی (۱۳) و به عبارتی بیانگر رابطهٔ دلبستگی ایمن با برون‌گرایی و توافق‌پذیری، سبک‌های دلبستگی ناایمن با روان‌رنجوری، دلبستگی اجتنابی با توافق‌پذیری پایین، دلبستگی اضطرابی با وظیفه‌شناسی پائین (۱۴)، دلبستگی ناایمن با روان‌رنجوری (۱۵)، دلبستگی اضطرابی با روان‌رنجوری (۱۶)، دلبستگی اضطرابی با روان‌رنجوری بالا و توافق‌پذیری کمتر (۱۷) است. از سوی دیگر بیرنبام (۱۸) گزارش کرد که افراد دوسوگرا، رضایت جنسی پایین‌تر، برانگیختگی و لذت جنسی کمتر و

[1] Sexual dysfunctions
[2] Paraphilic disorders
[3] Fetishistic disorder
[4] Neuroticism
[5] Extroversion
[6] Agreeableness
[7] Conscientiousness
[8] Bondage-discipline, dominance-submission, sadism-masochism
[9] Transsexuals
[10] Transvestism
[11] Openness
[12] Attachment style
[13] Secure attachment
[14] Avoidant attachment
[15] Anxious attachment

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

صمیمیت پایین‌تری را در حین فعالیت جنسی تجربه می‌کردند و سبک دلبستگی اجتنابی رابطه‌ای معکوس با تمام جنبه‌های عملکرد جنسی (رضایت، برانگیختگی، اوج لذت و صمیمیت حین فعالیت جنسی) داشت.

با عنایت به هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو که غریزهٔ جنسی را جزو نیازهای اولیهٔ زیستی می‌داند و با توجه به نادیده انگاشته شدن اختلالات جنسی در پژوهش‌های محققان که به پیشینهٔ تجربی ضعیف منجر شده است، لزوم تحقیقات گسترده‌تر در حوزهٔ مسائل و مشکلات اختلالات جنسی نمایان می‌شود. در این راستا پژوهش حاضر جهت بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطهٔ بین صفات شخصیت و یادگارخواهی انجام شده است. فرضیه‌های پژوهش چنین تدوین شدند که بین صفات شخصیت و یادگارخواهی رابطه وجود دارد و بین صفات شخصیت و سبک‌های دلبستگی رابطه وجود دارد. سؤالات پژوهش نیز چنین مطرح شدند که سهم یگانه و مشترک ابعاد نابهنجار شخصیت و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی یادگارخواهی چه مقدار است؟ آیا سبک‌های دلبستگی در رابطهٔ بین ابعاد نابهنجار شخصیت و یادگارخواهی از نقش میانجی برخوردار است؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی و همبستگی است. متغیر پیش‌بین در این پژوهش صفات شخصیت، متغیر ملاک یادگارخواهی و متغیر میانجی، سبک‌های دلبستگی است. این پژوهش با هدفی دوگانه، از یک سو رابطهٔ بین صفات شخصیت، دلبستگی و یادگارخواهی را بررسی می‌کند و از سوی دیگر نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی را در رابطهٔ بین صفات شخصیت و یادگارخواهی می‌سنجد. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر را مردان بالای ۱۸ سال شهر تبریز در سال ۱۳۹۷ تشکیل داده‌اند. تعیین حداقل حجم نمونهٔ لازم برای گردآوری داده‌های مربوط به مدل‌یابی معادلات ساختاری بسیار با اهمیت است (۱۹). با وجود آنکه در مورد حجم نمونهٔ لازم برای مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد، اما به زعم بسیار پژوهشگران، حداقل حجم نمونهٔ لازم ۲۰۰ می‌باشد (۲۱، ۲۰). از طرفی هم حبیبی، حجم نمونهٔ مورد نیاز برای هر متغیر، ۵ تا ۱۰ نمونه و به طور کلی در مجموع نهایتاً ۳۰۰ نمونه را توصیه کرده است (۲۲). از این رو از بین افراد جامعه با توجه به هدف و طرح پژوهش و همچنین با در نظر گرفتن روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نمونه‌ای با حجم حداقل ۳۰۰ شرکت‌کننده به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نمونه‌گیری به این شکل بود که با مراجعه به مردان بالای ۱۸ سال در دسترس و پس از جلب مشارکت و همکاری آنان، پرسشنامه‌ها، ارائه و تکمیل گشت. ابزار پژوهش به شرح ذیل می‌باشند:

مقیاس دلبستگی بزرگسال

مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)[16] با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن (۲۳)، ساخته شده است و یک آزمون ۱۵ سؤالی است که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) می‌سنجد. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونهٔ ۱۴۸۰ نفری، برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۸ برای زنان و برای مردان ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ محاسبه شد که نشانهٔ همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازهٔ مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تأیید قرار داد (۲۴).

پرسشنامهٔ پنج عاملی شخصیت نئو

پرسشنامهٔ پنج عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI)[17] ۶۰ سؤالی است که توسط مک کری ساخته شده است و پنج عامل اصلی شخصیت شامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت می‌سنجد (۲۵). سوسیر (۲۶)، ضرایب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای هر یک از پنج رگهٔ روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۳ به دست آورده است. در هنجاریابی آزمون NEO که توسط گروسی فرشی، روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت، ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان‌رنجوری، برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. جهت بررسی اعتبار محتوایی این آزمون از همبستگی بین دو فرم گزارش شخصی (S) و فرم ارزیابی مشاهده‌گر (R)، استفاده شد، که حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل سازگاری بود (۲۵).

سیاههٔ چند بعدی رشد، جنسیت و پرخاشگری

سیاههٔ چند بعدی رشد، جنسیت و پرخاشگری

[16] Adult attachment inventory
[17] NEO five-factor inventory

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

(MIDSA)[18] یک پرسشنامهٔ خودگزارشی کامپیوتری است که برای حمایت از مداخلات درمانی مجرمان جنسی نوجوان و بزرگسال ساخته شده است. بخش مربوط به مقیاس فانتزی‌ها، نگرش و رفتار جنسی در برگیرندهٔ موضوعاتی چون؛ مقیاس ناپایداری و ضعف جنسی، رشد میل جنسی، سادیسم جنسی، پرخاشگری بیانگرانه، سکس مقعدی، سکسوالیزیشن، روانپریشی و مردانگی بیش از حد، خشم فراگیر، برنامه‌ریزی جرم و پارافیلیا است. مقیاس پارافیلیا خود شامل چندین زیرمقیاس به‌عناوین؛ تماشاگری، نمایشگری، مبدل پوشی، اسکاتالوژیا[19] و یادگارخواهی است که بسته به‌عنوان تحقیق ما فقط از زیرمقیاس یادگارخواهی استفاده کردیم. این زیرمقیاس شامل سه مورد می‌باشد. پاسخ‌دهندگانی که نمرهٔ بالا در این مقیاس را گزارش می‌دهند، توسط بخش‌های غیرجنسی بدن زنان مانند پاها یا مو و توسط بوئیدن یا لمس زنان برانگیخته می‌شوند. پایایی مقیاس در گروه کنترل ۰/۷۸ و برای نوجوانان مجرم جنسی ۰/۶۳ و برای بزرگسالان مجرم جنسی ۰/۶۵ بود. این خرده مقیاس شامل سه سؤال است و پاسخ مثبت به آن‌ها به معنی وجود فانتزی، نگرش و رفتار جنسی مبتنی بر یادگارخواهی در فرد می‌باشد (۲۷).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها و سؤالات پژوهش از روش همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه با نسخهٔ ۲۱ نرم‌افزار SPSS و نهایتاً از روش تحلیل مسیر با نسخهٔ ۲۱ نرم‌افزار AMOS استفاده گردید.

یافته‌ها

در این قسمت یافته‌های توصیفی و استنباطی پژوهش به صورت جداول و نمودار مورد بررسی قرار گرفته است و فرضیه‌ها و سؤالات پژوهش مطرح شده‌اند. تعداد، کمترین نمره و بیشترین نمره به دست آمده، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است. بیشترین میانگین در متغیر برون‌گرایی و کمترین میانگین در متغیر توافق‌پذیری به دست آمد. در متغیرهای دلبستگی نیز میانگین متغیر دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بیشتر از دلبستگی ایمن بود. همچنین مقدار چولگی و کشیدگی متغیرهای تحقیق در بازهٔ ۲± قرار دارند، پس احتمالاً توزیع نرمال دارند.

با عنایت به جدول ۲، در صفات شخصیت، بین متغیرهای روان‌رنجوری ($r=۰/۳۵$، $P<۰/۰۱$) و متغیر تجربه‌گرایی ($r=۰/۱۴$، $P<۰/۰۱$) با متغیر یادگارخواهی ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه نمرهٔ فرد در متغیرهای روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی بالاتر باشد، احتمال اینکه فرد دچار اختلال یادگارخواهی باشد، بیشتر خواهد بود. بین متغیرهای برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، توافق‌پذیری و یادگارخواهی ارتباط معنی‌داری یافت نشد.

با نگاهی به جدول ۳ متوجه می‌شویم که بین دلبستگی ایمن با متغیر روان‌رنجوری ($r= -۰/۲۷$، $P<۰/۰۱$) ارتباط منفی معنی‌داری وجود دارد. این بدان معنی است که هرچه سبک دلبستگی فرد ایمن‌تر باشد، احتمال اینکه فرد روان‌رنجورخوی باشد، کمتر خواهد بود. همچنین

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرها.

متغیرها	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
روان‌رنجوری	۳۰۰	۱۲	۴۶	۲۶/۱۸	۶/۷۲	۰/۱۷	-۰/۱۷
برون‌گرایی	۳۰۰	۱۲	۴۵	۲۸/۵۰	۹/۱۵	۰/۰۲	-۱/۰۷
تجربه‌گرایی	۳۰۰	۱۱	۳۹	۲۶/۸۷	۵/۲۲	-۰/۰۳	-۰/۲۶
توافق‌پذیری	۳۰۰	۱۱	۴۰	۲۵/۷۴	۷/۹۲	۰/۱	-۱/۰۱
وظیفه‌شناسی	۳۰۰	۱۰	۴۰	۲۶/۳۰	۸/۱۹	-۰/۱۷	-۱/۰۲
دلبستگی اجتنابی	۳۰۰	۵	۲۵	۱۴/۶۳	۴/۹۴	-۰/۰۲	-۰/۵۴
دلبستگی ایمن	۳۰۰	۶	۲۵	۱۴/۶۱	۴/۶۷	۰/۱۸	-۰/۶۶
دلبستگی دوسوگرا	۳۰۰	۵	۲۵	۱۴/۹۸	۴/۸۹	-۰/۰۸	-۰/۶۳
یادگارخواهی	۳۰۰	۰	۳	۰/۴۵	۰/۷۸	۱/۶۴	۱/۶۸

[18] Multidimensional inventory of development, sex, and aggression
[19] Scatologia

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای صفات شخصیت و یادگارخواهی.

متغیرها	روان‌رنجوری	برون‌گرایی	تجربه‌گرایی	توافق‌پذیری	وظیفه‌شناسی	یادگارخواهی
روان‌رنجوری	۱					
برون‌گرایی	۰/۰۹	۱				
تجربه‌گرایی	۰/۱۱	-۰/۰۰	۱			
توافق‌پذیری	-۰/۰۹	-۰/۱۳*	-۰/۱۳*	۱		
وظیفه‌شناسی	-۰/۰۵	۰/۰۱	-۰/۰۴	۰/۱۲*	۱	
یادگارخواهی	۰/۳۵**	۰/۱۰	۰/۱۴**	-۰/۰۲	۰/۰۰	۱

جدول ۳- ضرایب همبستگی بین متغیرهای صفات شخصیت و سبک های دلبستگی.

متغیرها	روان‌رنجوری	برون‌گرایی	تجربه‌گرایی	توافق‌پذیری	وظیفه‌شناسی	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی ایمن	دلبستگی دوسوگرا
روان‌رنجوری	۱							
برون‌گرایی	۰/۰۹	۱						
تجربه‌گرایی	۰/۱۱	-۰/۰۰	۱					
توافق‌پذیری	-۰/۰۹	-۰/۱۳*	-۰/۱۳*	۱				
وظیفه‌شناسی	-۰/۰۵	۰/۰۱	-۰/۰۴	۰/۱۲*	۱			
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۴*	۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۰۵	۱		
دلبستگی ایمن	-۰/۲۷**	-۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۸	۱	
دلبستگی دوسوگرا	۰/۲۹**	۰/۰۹	۰/۰۵	-۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۱۱*	-۰/۳۵**	۱

جدول ۳ بیانگر این است که بین متغیر سبک دلبستگی اجتنابی ($P<۰/۰۵$ ،$r=۰/۱۴$) و دوسوگرا ($P<۰/۰۱$ ،$r=۰/۲۹$) و متغیر روان‌رنجوری ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد. پس چنین می‌توان گفت که احتمالاً افراد واجد صفت روان‌رنجوری، بیشتر دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا هستند.

برای تعیین سهم هر یک از متغیرها بر پیش‌بینی یادگارخواهی؛ صفات شخصیت و سبک‌های دلبستگی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و یادگارخواهی به‌عنوان متغیر ملاک، وارد معادلهٔ رگرسیون شدند و از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. همانطور که از داده‌های جدول ۴ مشخص است، مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از متغیر یادگارخواهی، می‌تواند توسط صفات شخصیت تبیین شود. همچنین سطح معنی‌داری ($P<۰/۰۱$) بیانگر این است که مدل رگرسیونی معنی‌دار است. در این جدول مقدار بتا به ما کمک می‌کند که سهم نسبی هر متغیر را در پیش‌بینی متغیر وابسته مقایسه کنیم و به عبارتی بتوانیم تعیین کنیم که کدام متغیرها بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند که با توجه به جدول مشخص می‌شود که بیشترین سهم به روان‌رنجوری ($P<۰/۰۱$) و سپس تجربه‌گرایی ($P<۰/۰۵$) اختصاص دارد. همچنین نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه در جدول ۵ حاکی از آن بود که هر سه متغیر سبک دلبستگی دارای قدرت پیش‌بینی معنی‌داری ($P<۰/۰۱$) برای متغیر یادگارخواهی هستند. این تحلیل نشان داد که این سه متغیر در مجموع ۲۴ درصد از واریانس متغیر یادگارخواهی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین با توجه به مقدار بتا مشخص می‌شود که سبک دلبستگی دوسوگرا بیشترین تأثیر را بر متغیر یادگارخواهی دارد.

تا اینجا به بررسی دو فرضیه و یک سؤال تحقیق پرداخته شد. اگرچه روابط ساده بین متغیرها برخی از نکات را برای ما آشکار کرد، اما روابط پیچیده و چندگانه بین متغیرها از طریق تحلیل مسیر مشخص می‌شود. به‌منظور شناخت هر چه بهتر روابط علّی و نحوهٔ تأثیرگذاری صفات شخصیت بر سبک‌های دلبستگی و اختلال یادگارخواهی، تحلیل مسیر صورت گرفت. هدف اصلی پژوهش دست‌یابی به فهم روشنی از چگونگی تأثیر صفات شخصیت بر اختلال یادگارخواهی به واسطهٔ سبک‌های دلبستگی بود. تصویر ۱ بیانگر مدل پیشنهادی پژوهش می‌باشد که به نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطهٔ بین صفات شخصیت و یادگارخواهی اشاره دارد. سایر مسیرهایی که رابطهٔ معنی‌داری نداشتند، در مدل پژوهش حذف شدند.

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای صفات شخصیت.

متغیر پیش‌بین	بتا	T	P	R^2	f	df	P
روان‌رنجوری	۰/۳۳	۶/۰۸	۰/۰۰	۰/۱۴	۹/۶۵	۲۹۴/۵	۰/۰۰
برون‌گرایی	۰/۰۷	۱/۳۹	۰/۱۶				
تجربه‌گرایی	۰/۱۱	۲/۱۱	۰/۰۳				
توافق‌پذیری	۰/۰۲	۰/۴۹	۰/۶۲				
وظیفه‌شناسی	۰/۰۲	۰/۳۹	۰/۶۹				

جدول ۵- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای سبک های دلبستگی.

متغیر پیش‌بین	بتا	T	P	R^2	f	df	P
دلبستگی اجتنابی	۰/۲۲	۴/۳۲	۰/۰۰	۰/۲۴	۳۱/۱۹	۲۹۶/۳	۰/۰۰
دلبستگی ایمن	-۰/۱۸	-۳/۳۷	۰/۰۰				
دلبستگی دوسوگرا	۰/۳۰	۵/۶۲	۰/۰۰				

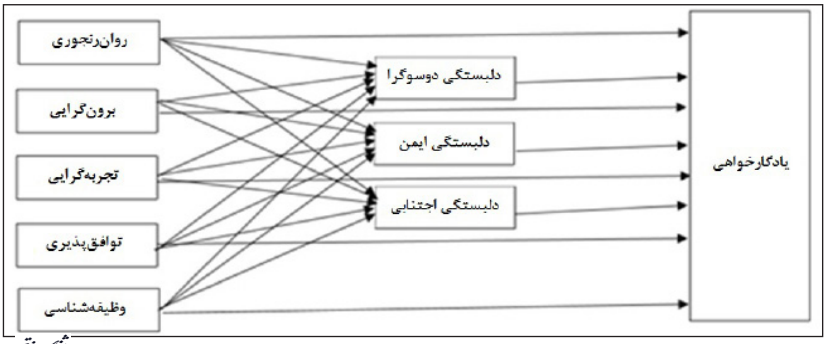

تصویر ۱- مدل پیشنهادی پژوهش.

همان‌گونه که در جدول ۶ دیده می‌شود، تمام مسیرها، به غیر از مسیر مستقیم بین سبک دلبستگی ایمن و یادگارخواهی و بین روان‌رنجوری و دلبستگی ایمن، مثبت و معنی‌دار هستند. اثر غیر مستقیم صفات شخصیت روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی بر اختلال یادگارخواهی به واسطهٔ سبک‌های دلبستگی معنی‌دار است که نشان می‌دهد هر سه مؤلفهٔ سبک‌های دلبستگی، واسطهٔ رابطهٔ بین صفات شخصیت و اختلال یادگارخواهی است.

مطابق جدول ۷، سطح معنی‌داری خی دو ۰/۰۴ به دست آمده است که قابل قبول و معنی‌دار است. در مدل حاضر کای اسکوئر ۲/۰۴ به دست آمد. بنابراین مدل از برازندگی خوب برخوردار است. همچنین مقدار شاخص RMSEA تفاوت مقادیر به دست آمده در مدل با مقدار ۰/۰۵ و قابل قبول است. بنابر اطلاعات جدول ۶، RMSEA برابر با ۰/۰۵ است که بیانگر برازش خوب مدل است. در CFI هم مقدار شاخص از ارزش ۰/۹۵ و قابل قبول برخوردار است.

جدول ۶- مقادیر اثرات مستقیم و ضرایب مسیر در مدل کلی(بدون اعمال خطای اندازه گیری).

اثرات مستقیم متغیرها	مقدار برآورد	خطای استاندارد	T	P
اثر صفت روان‌رنجوری بر سبک دلبستگی دوسوگرایی	۰/۳۰	۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۰۰
اثر صفت روان‌رنجوری بر سبک دلبستگی ایمن	-۰/۲۸	۰/۰۴	-۰/۲۷	۰/۰۰
اثر صفت روان‌رنجوری بر اختلال یادگارخواهی	۰/۲۰	۰/۰۱	۶/۰۸	۰/۰۰
اثر صفت تجربه‌گرایی بر اختلال یادگارخواهی	۰/۳۰	۰/۰۴	۳/۱۱	۰/۰۰
اثر سبک دلبستگی دوسوگرایی بر اختلال یادگارخواهی	۰/۲۷	۰/۰۲	۵/۶۲	۰/۰۰
اثر سبک دلبستگی ایمن بر اختلال یادگارخواهی	۰/۱۴	۰/۰۴	-۳/۳۷	۰/۰۰
اثر سبک دلبستگی اجتنابی بر اختلال یادگارخواهی	۰/۲۰	۰/۰۱	۴/۳۲	۰/۰۰

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

جدول ۷- شاخص های نیکویی برازش الگوی آزمون شده پژوهش.

شاخص‌های برازش	X2	df	p	X2/df	RMSEA	CFI
مقدار استاندارد	-	-	۰/۰۵>	۳>	۰/۰۸>	۰/۸<
مقدار به دست آمده از مدل	۱۴/۲۷	۷	۰/۰۴	۲/۰۴	۰/۰۵	۰/۹۵
نتیجه	+	+	+	+	+	+

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطهٔ بین ابعاد نابهنجار شخصیت و یادگارخواهی انجام شد. بدین منظور دو فرضیه و دو سؤال مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت با تکیه بر ادبیات و پیشینهٔ پژوهش و استناد به نتایج آماری حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرضیه‌ها و سؤالات پژوهش مورد بحث قرار گرفتند.

بر طبق نتایج به دست آمده از یافته‌ها، از بین صفات شخصیت، تنها بین روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی با اختلال یادگارخواهی رابطهٔ مثبت معنی‌داری به دست آمد. یافتهٔ فوق با نتایج تحقیقات (۷-۲) همسو است.

در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت که عملکرد جنسی یک پدیدهٔ چند بعدی است که تحت تأثیر بسیاری از عوامل زیستی -روانی و اجتماعی قرار می‌گیرد. حتی در مواردی که علت جسمانی برای مشکلات جنسی وجود دارد، عوامل روانشناختی ممکن است نقش ثانویه‌ای در پیچیده کردن موقعیت داشته باشند و می‌توانند موجب اشکال در پاسخ جنسی و اختلال‌های کنشی جنسی گردند. عملکرد جنسی ممکن است تحت تأثیر منفی هرگونه استرس، اختلال هیجانی یا ناآگاهی از کارکرد و فیزیولوژی رفتار جنسی قرار گیرد. اختلال در عملکرد جنسی به هر شکلی ممکن است در تمام طول عمر وجود داشته باشد یا پس از یک دورهٔ عملکرد طبیعی پدید آید (۲۸). افرادی که در روان‌رنجوری، نمرهٔ بالایی می‌گیرند معمولاً مضطرب، بیمناک و مستعد نگرانی هستند و احساس غم تنهایی و طرد می‌کنند. همچنین این افراد درجهٔ انطباق‌پذیری ضعیف‌تری با دیگران و شرایط فشار روانی نشان می‌دهند. روان‌رنجوری یعنی تمایل به تجربهٔ هیجانات منفی مثل اضطراب و افسردگی و همین تمایل باعث می‌شود تا این افراد لذت کمی از زندگی ببرند و در پی کسب لذت در موقعیت‌های نابهنجار باشند. افراد روان‌رنجورخوی بیشتر تمایل دارند تا روابط جنسی بدون وابستگی عاطفی را تجربه کنند که منجر به اضطراب آن‌ها می‌شود. اضطراب و ثبات عاطفی کم این افراد، باعث کوتاهی عمر روابط آن‌ها می‌شود.

در بعد تجربه‌گرایی می‌توان اشاره کرد که افراد انعطاف‌پذیر، دارای ویژگی‌هایی چون خلاقیت، تنوع‌طلبی، کنجکاوی ذهنی، گشودگی نسبت به تجارب و پذیرش عقاید جدید هستند. افراد تجربه‌گرا، زندگی سرشار از تجربه دارند، کنجکاو و خلاق هستند و در مقایسه با افراد فاقد انعطاف‌پذیری احساسات مثبت و منفی فراوانی دارند. صفات کنجکاوی و حساسیت هیجانی در افراد تجربه‌گرا، احتمالاً می‌تواند دلیل خوبی برای جذب شدن این افراد به سمت بدکارکردی جنسی و اختلالاتی چون یادگارخواهی باشد. آن‌ها معمولاً دارای علائق متنوعی بوده و تمایل به تجربهٔ موضوعات و هیجانات جدید داشته، لذا زمان خود را به فعالیت‌های مختلف می‌گذرانند و همین امر آمادگی ابتلا به اختلالات جنسی را در آن‌ها افزایش می‌دهد. اشتیاق آن‌ها نسبت به تجربه در پذیرش نظرات و عقاید دیگران باعث شده که بدون در نظر گرفتن عواقب کارها، عکس‌العمل نشان داده و در فعالیت‌های جدید برخاسته از نظرات جدید درگیر شوند. یافته‌ها نشان دادند که تنها بین دلبستگی ایمن با متغیر روان‌رنجوری ارتباط مثبت معنی‌دار و بین دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا و متغیر فوق رابطهٔ منفی معنی‌داری وجود دارد. نتایج فوق با تحقیقات (۱۷-۱۳) همسو است.

در تبیین یافته‌های فوق باید گفت که دلبستگی اساس شخصیت بزرگسالی ما را تشکیل می‌دهد، الگوی دلبستگی کودک -والد می‌تواند زمینه‌ساز نحوهٔ برخورد فرد با مسائل آتی در زندگی از قبیل مشکلات تحصیلی، عاطفی، شغلی و غیره باشد و نیز می‌تواند شیوهٔ نگرش فرد و همچنین آمادگی‌های فرد را نسبت به حل و فصل مشکلات و کنش‌ها و عکس‌العمل‌های فرد در برابر معضلات اجتماعی و ناکامی‌ها را تعیین کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوانان و بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین‌تری از عواطف منفی را تجربه می‌کنند و روابط مستحکمی را با کسانی برقرار می‌سازند که هنگام درماندگی هیجانی، برای دریافت حمایت مراجعه می‌کنند. افراد با سبک دلبستگی ناایمن، در مقایسه با ایمن‌ها، سطوح پایین‌تری از عواطف مثبت را تجربه می‌کنند و در مدیریت استرس، اضطراب، افسردگی و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می‌دهند (۲۹) که این‌ها مغایر با صفت شخصیتی روان‌رنجوری است.

این در حالی است که ایجاد دلبستگی ناایمن با اولین پرستار (مراقب) بعدها از طریق ویژگی‌های شخصیتی در رفتارهای بین فردی نمود پیدا می‌کند (مثل رفتار مراقبت‌طلبی مزمن) و تا دوران بزرگسالی ادامه

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

می‌یابد. طبق نظریهٔ بالبی، افراد با دلبستگی ناایمن اجتنابی که الگوهای دلبستگیشان بر اساس راهبردهای گوشه‌گیری و فاصله گرفتن گسترش یافته است، به این نتیجه می‌رسند که منبع اتکایی وجود ندارد که بتوانند به آن اعتماد کنند و وابسته باشند و در نتیجه تعارض بیشتری را تجربه می‌کنند و در این تقابل، احساسی از خودبسندگی را به وسیلهٔ طفره رفتن از رابطه پرورش می‌دهند (۳۰). از سوی دیگر، افراد اضطرابی -دوسوگرا که از طرد و رها شدن می‌ترسند خواسته‌هایی مبنی بر تأیید شدن و اطمینان دارند که با نگرانی برای رابطه، مخصوصاً در دسترس بودن حمایت والدین، مشخص می‌شود. بنابراین، افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن در ایجاد یک رابطهٔ تقابل و وابستگی دوجانبه که در آن هر طرف رابطه می‌تواند نقش فاعل یا مفعول داشته باشند، با مشکل مواجه می‌شوند.

دلبسته‌های اضطرابی یا دوسوگرا تصویر منفی از خود به‌عنوان بی‌کفایت، نالایق برای عشق ورزیدن و در نتیجه محتاج دارند. حس معیوب نسبت به خود در افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی -دوسوگرا در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است (۳۱) و دلبستگی دوسوگرا یکی از اشکال ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری است (۳۲). این افراد حالات نوسان عاطفی، احساس ناتوانی، گیر افتادن در مشکلات خانوادگی و آسیب‌پذیری نسبت به روابط گذشته و حال دارند. همچنین ترکیب حرمت خود پایین، خودکارآمدی پایین و دوسوگرایی در روابط می‌توانند به راحتی منجر به درونی‌سازی نشانه‌هایی از قبیل اضطراب و افسردگی شوند و این‌ها همان نشانه‌هایی هستند که در افراد روان‌رنجورخوی نیز دیده می‌شوند. بنابراین روشن است که این افراد به دلیل ترس از دست دادن، اضطراب بیشتری در ارتباطات خود تجربه می‌کنند. افراد روان‌رنجورخوی در لحظه تصمیم به کاری می‌گیرند و با اضطرابی که در ارتباط با دیگران دارند کمتر سعی می‌کنند وارد رابطه شوند. بر طبق یافته‌ها از بین صفات شخصیت، روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی دارای بیشترین سهم و قدرت پیش‌بینی معنی‌دار برای متغیر یادگارخواهی هستند. این یافته با نتایج تحقیقات (۷-۲) همسو است.

در تبیین این نتایج می‌توان ابراز داشت که روان‌رنجوری یک صفت شخصیتی است که افراد واجد آن غالباً نگران، مضطرب و افسرده بوده و خلقشان در نوسان است، احتمالاً در خواب مشکل دارند و از اختلال‌های روان‌تنی بسیاری در رنج هستند. این افراد بسیار هیجانی بوده و در مقابل محرک‌های محیطی، واکنش شدیدی نشان می‌دهند (۸). روان‌رنجوری ویژگی شخصیتی افرادی است که ثبات عاطفی پایین و اضطراب بالا دارند. افراد دارای نمرهٔ بالا در این ویژگی، دارای عواطف غیرمنطقی بیشتر، توان کمتر در مهار رفتار تکانه‌ای و ضعف در کنار آمدن با مشکلات هستند (۳۳). در مورد رابطهٔ تجربه‌گرایی با یادگارخواهی هم باید عنوان کرد که انعطاف‌پذیری در تجربه، فرد را هم به سمت تجربهٔ حالات هیجانی مثبت و هم به سمت حالات هیجانی منفی هدایت می‌کند. افراد دارای تجربه‌گرایی بالا مبتکر، مستقل، خلاق، نوجو، تنوع‌طلب و شجاع هستند. آن‌ها تمایل بیشتری به پذیرش باورهای جدید و ارزش‌های نامتعارف داشته و هیجان‌های مثبت و منفی بیشتری را تجربه می‌کنند. در عوض مردان و زنانی که نمرهٔ پائینی در تجربه‌گرایی می‌گیرند، تمایل دارند که رفتار متعارف داشته باشند. این افراد تازه‌های آشنا را ترجیح می‌دهند و پاسخ‌های عاطفی آنان خیلی محدود است. با کمی تأمل نقش صفت شخصیتی تجربه‌گرایی در ایجاد عملکردهای جنسی نامتعارف چون یادگارخواهی مشخص می‌شود. در حقیقت علاقه‌های انحرافی جنسی تحت بالینی ممکن است نشانه‌های رفتاری یک شخصیت زیرین کنجکاو و مکتشف باشد.

علی‌رغم اینکه تمایلات جنسی ذاتی و غیرارادی می‌باشند، نگرش و رفتارهای جنسی آموختنی هستند؛ بنابراین فعالیت‌های جنسی مشابه می‌توانند برای افراد مختلف معانی متفاوتی داشته باشد و حتی برای یک شخص، از یک زمان به زمان دیگر تغییر کند (۳۴). بنابراین هرگونه اختلال ناشی از صفات شخصیتی و هر عامل دیگری که منجر به ناهماهنگی و در نتیجه عدم رضایت از رابطهٔ جنسی شود می‌تواند اختلال عملکرد جنسی را به همراه داشته باشد. رابطهٔ جنسی عاملی برای حفظ سلامت خانواده است و عملکرد جنسی سالم و رضایت‌بخش، عاملی مهم در پیشگیری از ایجاد اختلالات جنسی است (۳۵). رابطهٔ جنسی تنها یک فعالیت نیست، بلکه یک ایده و تصور است. تصورات افراد در مورد رابطهٔ جنسی بسیار پیچیده‌اند و در نتیجهٔ آن‌ها، فرد یک فعالیت پیچیده ایجاد می‌کند.

در بین سبک‌های دلبستگی هم، تمامی سبک‌ها معنی‌دار هستند، منتهی سبک دلبستگی ایمن رابطهٔ منفی با یادگارخواهی دارد و همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا بیشترین سهم را در پیش‌بینی یادگارخواهی بر عهده داشت. نتایج فوق با تحقیقات (۱۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که کودک بر این مبنا که مراقب او مسئول، در دسترس، همیشگی و قابل پیش‌بینی است، دیگران را افرادی قابل اعتماد، مهربان و لایق احترام و ارزش می‌داند و بر عکس اگر فرد حمایت کافی دریافت نکرده باشد، دیگران را به‌عنوان افرادی طرد کننده و سرد خواهد دانست. از طرف دیگر، به اندازه‌ای که نگاره دلبستگی او را ارزشمند می‌دانسته، اکنون خود را لایق احترام و ارزش می‌داند (۳۶). تجارب دوران کودکی، نوع و کیفیت ارتباط کودک با والدین و به‌خصوص مادر، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری دیدگاه کودک به محیط اطراف و نوع روابط حاکم بر آن خواهد داشت. از سوی دیگر شخصیت کودک در

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]
[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

سال‌های ابتدائی بعد از تولد و همزمان با شکل‌گیری عواطف نسبت به والدین شکل می‌گیرد. بنابر دیدگاه محققان (۲۳)، این تجارب دلبستگی در دوران بزرگسالی و در ارتباطات نوجوان یا جوان با افرادی خارج از محیط خانواده گسترش می‌یابد و می‌توان روابط عاشقانهٔ بزرگسالی را بازتابی از ارتباطات دوران کودکی در نظر گرفت.

افراد با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا نسبت به افراد ایمن، مشکلات بین شخصی بیشتری دارند، به خود و دیگران اعتماد ندارند و تعهد، صمیمیت و مهارت حل مسئله در آن‌ها ضعیف است. افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا، عاطفهٔ منفی بالاتر، عاطفهٔ مثبت پایین‌تر و همینطور ترس بیشتری نسبت به از دست دادن کنترل در زندگی روزمره دارند و احساس شادی کمتری گزارش می‌کنند (۳۷). این ویژگی‌ها هر یک به سهم خود، روابط بین فردی و عملکرد جنسی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تا حدودی رابطهٔ سبک دلبستگی ناایمن را با مشکلات جنسی توجیه می‌کند.

چنان که از نتایج تحقیق بر می‌آید سبک‌های دلبستگی در نقش میانجی صفت شخصیت روان‌رنجوری و اختلال یادگارخواهی عمل می‌کنند. نتایج فوق با تحقیقات (۱۸-۱۳، ۷-۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که روان‌رنجوری شامل مشکلات عاطفی متعدد از قبیل ترس، خصومت و افسردگی است. این مشکلات می‌تواند باورهای مثبت فرد را تضعیف کند و در نتیجه زمینهٔ بروز شادکامی را خنثی سازد. بدین ترتیب عواطف منفی نقش بازدارندگی دارند و همچون مانعی در برابر احساس بهزیستی، مردم‌آمیزی، روابط متعالی انسان و حتی توفیق در مسائل خانوادگی و تربیتی قرار می‌گیرند (۳۸). روان‌رنجوری به سازگاری و ثبات عاطفی فرد مربوط می‌شود. داشتن احساسات منفی همچون ترس، غم، برانگیختگی، خشم، احساس گناه، احساس کلافگی دایمی و فراگیر مبنای این مقیاس را تشکیل می‌دهند (۲۵). در مورد پارافیلیا، در شرایط استرس، اضطراب یا افسردگی، احتمال انجام رفتار انحرافی بیشتر است و ناراحتی همراه با تشخیص آن می‌تواند رابطهٔ مستقیمی با طبیعت انحرافی اجتماعی این نوع از علاقهٔ جنسی داشته باشد. علاقه‌های انحرافی جنسی تحت بالینی ممکن است با عواطف منفی در شخصیت که مشخصهٔ افراد روان‌رنجور است، مطابقت داشته باشد.

از طرفی هم افراد تجربه‌گرا بیشتر احتمال دارد که واجد خصوصیاتی همچون تمایل به زیر سؤال بردن منابع قدرت، علاقمندی به آزادی در اخلاقیات، امور اجتماعی و سیاسی باشند و با عنایت به اینکه چنین افرادی نسبت به دنیای پیرامون خود کنجکاو بوده و زندگی سرشار از تجربه را می‌پسندند، طالب لذت بردن از نظریه‌های جدید و ارزش‌های غیرمتعارف هستند (۸). افرادی با نمرهٔ بالا در ویژگی تجربه‌گرایی همواره به دنبال کسب تجربیات جدید و برقراری رابطه با افراد ناآشنا هستند و در برقراری این روابط نیز استانداردهای بالایی در نظر نمی‌گیرند و سخت‌گیری نمی‌کنند. بنابراین این واقعیت که افراد مبتلا به پارافیلیا در ویژگی تجربه‌گرایی نمرات بالاتری بگیرند، می‌تواند توجیه‌گر رابطهٔ بین این دو متغیر فوق باشد. مطابق نظریهٔ بالبی انسان با یک سیستم روانی -زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می‌شود. هدف این سیستم، دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت‌شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است. بالبی دلبستگی را یک رابطهٔ عاطفی قدرتمند می‌داند که فرد را به یک مراقب مرتبط می‌سازد، به نحوی که تعامل با وی باعث احساس نشاط و شعف شود و وجود او به هنگام تنش، مایهٔ آرامش باشد. سبک‌های دلبستگی تعیین‌کنندهٔ قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کند (۳۹).

افراد دلبستهٔ اجتنابی در رویارویی با شرایط تنش‌زا از راهبردهای حفظ فاصله استفاده می‌کنند و مانع از بروز هر نوع افکار و احساسات منفی در خود می‌شوند (۴۰). افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به نسبت افراد دوسوگرا یا ایمن توجه کمتری به عواطف و رویدادهای هیجانی دارند و در طرح‌ریزی رفتار نیز به عوامل شناختی بیش از عوامل هیجانی اهمیت می‌دهند. بنابراین نتیجهٔ این دفاع‌ها سیستم‌های روانیِ تفکیک شده است که باعث بروز مشکلاتی در سلامتِ روانی فرد و کارکرد عمومی او می‌شود، چرا که بر اساس نظریهٔ پردازش اطلاعات نیز بسیاری از آسیب‌های روانی، ناشی از هیجان‌های بلوکه شده و ابراز نشده است.

افراد دلبستهٔ دوسوگرا نیز دارای مدل‌های درون‌کاری منفی هستند که موجب درماندگی فرد در کنش‌وری‌های مختلف رفتاری می‌شود و در نتیجه فرد راهبردهای غیرکارکردی و غیرواقع بینانه‌ای را برای پردازش افکار و احساسات و ارزیابی‌های خود به کار می‌برد که می‌تواند مانع از انعطاف فرد هنگام بروز مشکلات شود و زمینهٔ ایجاد و استمرار آسیب‌پذیری‌های روانی را فراهم سازد. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن در مقابله با افراد ایمن از قدرت اکتشاف‌گری و جوارجویی کمتری برخوردارند. اختلال رفتار اکتشاف‌گری در فرایند تحول، جسارت و انعطاف‌پذیری فرد ناایمن را تحلیل می‌برد و فرصت‌های آزمون‌گری و تجربه‌آموزی را از آن‌ها باز می‌ستاند. جوارجویی فعال و بهنجار افراد ناایمن اجتنابی نیز در سایهٔ اعتماد نداشتن به دیگران و اختلال رفتار اکتشاف‌گری به‌شدت کاهش می‌یابد، بنابراین فرد نمی‌تواند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی مناسب و همچنین راهبردهای مؤثر برای حل مشکلات را فراگیرد و در نتیجه آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کند.

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]

[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

پیامد فرایند دلبستگی ایمن، ایجاد احساس ایمنی در فرد است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که این سبک دلبستگی منبع ایمنی‌بخش در رویارویی و مقابله با رویدادهای زندگی محسوب می‌شود. دلبستگی ایمن با کنش حمایتی خود، زمینهٔ کسب مهارت‌های اجتماعی، احساس ارزشمندی، احاطه بر محیط، خودهدفمندی و در نهایت احساس استقلال را در فرد ایجاد می‌کند. دلبستگی ایمن یک منبع درونی است که سلامت روانشناختی را در طول دوره‌های استرس‌زا حفظ می‌کند، در حالی که نبود منبع ایمن، مشکلات عاطفی را در پی دارد (۴۱). این در حالی است که کار عمده رفتار جنسی انسان کمک به دلبستگی، ایجاد لذت دوگانه در همکاری با شریک جنسی و ابراز و تقویت عشق بین دو فرد و تولید مثل است. ولی پارافیلیاها رفتارهای انحرافی هستند که با پرخاشگری و قربانی کردن و یکطرفه بودن افراطی مشخص می‌باشند. این رفتارها به حذف یا آسیب دیگران منجر شده و احتمال برقراری پیوند و دلبستگی بین افراد را از بین می‌برند. در واقع تصور می‌شود که بیمار یادگارخواهی را به‌عنوان روشی برای مدارا کردن با اضطراب ناشی از جدایی مادر و تهدیدات سرپرست خود در پیش گرفته و از طریق انتقال تکانه‌های زیست‌مایه خود به شیء نامتناسب که در این مورد لباس زیر زنانه می‌باشد از اضطراب خود جلوگیری می‌کند.

منابع

1. APA. Diagnostic and statistical manual of mental disorder. 5th ed. Arlington: VA: American Psychiatric Publishing. 2013.

2. Allen MS, Walter, EE. Linking big five personality traits to sexuality and sexual health: a meta-analytic review. Psychol Bull. 2018; 144(10): 1081-110.

3. Hoyle RH, Fejfar MC, Miller JD. Personality and sexual risk taking: a quantitative review. J Pers. 2000; 68(6): 1203-31.

4. Wismeijer AA, van Assen MA. Psychological characteristics of BDSM practitioners. J Sex Med. 2013; 10(8): 1943-52.

5. Brown GR, Wise TN, Cos ta PT, Herbs t JH, Fagan PJ, Schmidt CW. Personality characteristtics and sexual functioning of 188 cross-dressing men. J Nerv Ment Dis. 1996; 184(5): 265-73.

6. Lodi-Smith J, Shepard, K, Wagner S. Personality and sexually deviant behavior. Pers Individ Dif. 2014; 70: 39-44.

7. Agnes Van M, Mirjam K. The interaction between anxiety and sexual functioning: a controlled study of sexual functioning in women with anxiety disorders. Sex Relation Ther. 2010; 15(1): 45-57.

8. Cos ta PT, McCrae RR. The five-factor model of personality and its relevance to personality disorders. J Pers Disord. 1992; 6(4): 343-59.

9. Goldsmith HH, Alansky JA. Maternal and infant temperamental predictors of attachment: a meta-analytic review. J Consult Clin Psychol. 1987; 55(6): 805-16.

10. Bowlby J. Attachment and loss. New York: Basic Books. 1969.

11. Mikulincer M, Shaver R. The attachment behavioral system in adulthood: activation, psychodynamics, and interpersonal processes. Adv Exp Soc Psychol. 2003; 35: 53-152.

12. Wearden A, Cook L, Vaughan-Jones J. Adult attachment, alexithymia, symptom reporting, and health-related coping. J Psychosom Res. 2003; 55(4): 341-7.

13. Amani Z, Fatehizade M, Yousefi Z. The multiple relations between attachment styles and big five personality traits with assertiveness in a sample of Iranian girl. Adv Exp Soc Psychol. 2013; 2(10): 161-6.

14. Khanalizadeh Ini Z, Khanalizadeh Ini M, Khanalizadeh Amin Z. Evaluation and study of the role and attachment relation in personality characteris

از محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی بود که در پاسخ‌دهی به سؤالات، سوگیری ایجاد می‌کند و نتایج را مغشوش می‌کند. محدودیت دیگر این پژوهش، نمونهٔ پژوهش در دسترس بود که در معرف بودن کامل و تعمیم یافته‌های آن به کل افراد تردید وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که در سبب‌شناسی اختلالات جنسی همچون یادگارخواهی می‌توان عوامل زمینه‌ای بسیاری پیدا کرد که احتمالاً منشاء و اساس وجود اختلال را تبیین می‌کنند. پیشنهاد می‌شود برای فهم هر چه بهتر این اختلال و عوامل زمینه‌ای به وجود آورندهٔ آن، تحقیقات بیشتر و متنوع‌تری در این زمینه انجام گیرد. با ارائهٔ راهکارها و درمان‌های اثربخش بر روی عوامل زمینه‌ساز اختلالات، اثربخشی آن‌ها بر کاهش یا افزایش علایم و نشانه‌های اختلال بررسی شود و این چنین است که با دیدی جامع و گسترده می‌توان به درمان اساسی این اختلالات نگریست.

تشکر و قدردانی

اکنون که توفیق جمع‌آوری این پژوهش را یافتیم، بر خود واجب می‌دانیم از تمامی بزرگوارانی که در این پژوهش، از راهنمائی و نکته نظراتشان بهره‌مند گشته‌ایم، تشکر و قدردانی کنیم.

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]

[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]

tics of individuals. Third national conference on recent innovations in psychology, counseling and behavioral sciences; Tarbiat Modares University of Tehran. 2016.

15. Hejazi E, Tanha Z, Rahmani S, Nikpour R. Loving styles: relationships with big five factors of personality and attachment styles. Psychol Res. 2013; 8(30): 29-53.

16. Shaver PR, Brennan KA. Attachment style and the big five personality traits: Their connection with romantic relationship outcomes. Pers Soc Psychol Bull. 1992; 18(5): 536-45.

17. Both LE, Bes t LA. A comparison of two attachment measures in relation to personality factors and facets. Pers Individ Dif. 2017; 112(1): 1-5.

18. Birnbaum GE. Attachment orientations, sexual functioning, and relationship satisfaction in a community sample of women. J Soc Pers Relat. 2007; 24(1): 21-35.

19. McQuitty S. Statistical power and structural equation models in business research. J Bus Res. 2004; 57(2): 175-83.

20. Siu LH. Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique. Journal of Applied Quantitative Methods. 2008; 3(1): 76-83.

21. Sivo SA, Fan XT, Witta EL, Willse JT. The search for "optimal" cutoff properties: fit index criteria in s tructural equation modeling. J Exp Educ. 2006; 74(3): 276-89.

22. Habibi AAv M. Practical training of Lisrel software structural equation modeling and factor analysis: Jahad University Press; 2011.

23. Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. J Pers Soc Psychol. 1987; 52(3): 511-24.

24. Besharat MA. Adult attachment inventory: ques tionnaire, instruction and scoring key. Journal of Cognitive and Behavioral Sciences. 2013; 9(3): 317-20.

25. Garousi Farshi T. New approach to personality evaluation (application of factor analysis in personality studies). Tabriz: Danial; 2001.

26. Saucier G. Replicable item-cluster subcomponents in the NEO five-factor inventory. J Pers Assess. 1998; 70(2): 263-76.

27. Enterprises A. MIDSA Clinical Manual. MIDSA Manual. 2011.

28. Bogart LM, Suttorp MJ, Elliott MN, Clemens JQ. Berry S.H. Prevalence and correlates of sexual dysfunction among women with bladder pain syndrome/ interstitial cystitis. Urology. 2011; 77(3): 576-80.

29. Hesse C, Floyd K. Affection mediates the impact of alexithymia on relationships. Pers Individ Dif. 2011; 50(4): 451-6.

30. Bowlby J. Attachment and loss: sadness and depression. New York: Basic Books; 1980.

31. Schimmenti A, Bifulco A. Linking lack of care in childhood to anxiety disorders in emerging adulthood: the role of attachment styles. Child Adolesc Ment Health. 2015; 20(1): 41-8.

32. Crawford TN, Shaver PR, Goldsmith HH. How affect regulation moderates the association between anxious attachment and neuroticism. Attach Hum Dev. 2007; 9(2): 95-109.

33. Lounsbury JW, Steel RP, Loveland JM, Gibson LW. An investigation of personality traits in relation to adolescent school absenteeism. J Youth Adolesc. 2004; 33(5): 457-466.

34. Clayton A. The pathophysiology of hypoactive sexual desire disorder in women. Int J Gynaecol Obstet. 2010; 110(1): 7-11.

35. Read J. Sexual problems associated with infertility, pregnancy and ageing. BMJ. 2004; 329(7465): 559-61.

36. Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough C, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. Pers Individ Dif. 2008; 44(5): 1246-57.

37. Sheinbaum T, Kwapil TR, Ballespí S, Mitjavila M, Chun CA, Silvia PJ, et al. Attachment style predicts affect, cognitive appraisals, and social functioning in daily life. Front Psychol. 2015; 18(6): 296-302.

38. Seligman MEP. Authentic happiness: using the new positive psychology to realize your potential for lasting fulfilment. New York: Free Press; 2002.

39. Mikulincer M aSP. Attachment theory and research: resurrection of the psychodynamic approach to personality. J Res Pers. 2005; 39: 22-45.

40. Mikulincer M, Horesh N, Eilati I, Kotler M. The association between adult attachment style and mental health in extreme lifeendangering conditions. Pers Individ Dif. 1999; 27(5): 831-42.

41. Sochos A, Tsalta A. Depressiogenic cognition and insecure attachment: a motivational hypothesis. Rev Int Psicol Ter Psicol. 2008; 8(2): 157-70.

[Downloaded from shefayekhatam.ir on 2026-09-13]

[DOI: 10.29252/shefa.7.2.44]